

بررسی تطبیقی نظام حقوقی و قضایی در دوره‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی و تأثیر دین بر قوانین حکومتی

سیدمحمدصادق مهدوی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور واحد قم، قم، ایران

seyedmohammadsadeghmahdavi@mail.ir

چکیده

نظام حقوقی و قضایی ایران باستان، به مثابه یکی از ارکان اصلی حفظ نظم اجتماعی و مشروعیت سیاسی، در زمان سه سلسله بزرگ هخامنشی، اشکانی و ساسانی دچار تحولات چشمگیری شد. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی ساختار، اصول و کارکرد نظام حقوقی و قضایی در این سه دوره و نیز تبیین تأثیر دین بر قوانین حکومتی انجام شده است. سوال اصلی پژوهش این است که با وجود اشتراک در برخی بنیان‌های کهن ایرانی، چه تفاوت‌های بنیادینی در مبانی، منابع، ساختار دادگستری و نقش مذهب در نظام حقوقی این سه سلسله وجود داشته و این تفاوت‌ها چگونه بر انسجام سیاسی و عدالت اجتماعی تأثیر گذاشته است؟ روش پژوهش مبتنی بر رویکرد تاریخی-تحلیلی و تطبیقی با استفاده از منابع دست اول (کتیبه‌ها، متون پهلوی، گزارش‌های یونانی و رومی) و منابع دست دوم (پژوهش‌های معاصر تا سال ۲۰۲۶) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام حقوقی هخامنشی با تکیه بر کثرت‌گرایی حقوقی و مدارای دینی، به شدت از سنت‌های محلی و قوانین اقوام تابع تأثیر پذیرفته بود و دین زرتشتی نقش مشورتی و اخلاقی داشت، نه منبع اصلی قانون‌گذاری. در مقابل، نظام حقوقی اشکانی با تلفیقی از سنت‌های هلنیستی، بین‌النهرینی و ایرانی، ساختاری غیرمتمرکز و مبتنی بر عرف و رویه‌های محلی داشت که دین در آن نقشی حاشیه‌ای ایفا می‌کرد. اما نظام حقوقی ساسانی با اتکا به آیین زرتشتی به عنوان دین رسمی، حقوق را به طور کامل در خدمت دین قرار داد و «داد» را با «وهی‌دین» (دین بهی) پیوند زد و روحانیون زرتشتی (موبدان) را به عالی‌ترین مقام قضایی تبدیل کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هرچه دین در نظام حقوقی نفوذ بیشتری یافت، قوانین از انعطاف‌پذیری و کثرت‌گرایی فاصله گرفت و خشونت قانونی افزایش یافت، هر چند انسجام دینی نیز به عنوان جایگزین انسجام قومی-فرهنگی عمل کرد. این مقاله با ارائه مدلی تطبیقی، سیر تحول رابطه دین و حقوق در ایران باستان را ترسیم کرده و پیامدهای آن را برای مشروعیت و پایداری سیاسی بررسی می‌نماید.

واژگان کلیدی: نظام حقوقی، نظام قضایی، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، دین و حقوق، زرتشتی

مقدمه

نظام حقوقی و قضایی هر جامعه‌ای، آینه تمام‌نمای ارزش‌ها، باورها و ساختار قدرت آن جامعه است. در ایران باستان، این نظام نه تنها پاسخگوی نیازهای عملی تنظیم روابط اجتماعی و حل اختلافات بود، بلکه به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به حکومت و تداوم انسجام سیاسی نیز عمل می‌کرد. سه سلسله بزرگ تاریخ ایران پیش از اسلام - هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد)، اشکانیان (۲۴۷ پیش از میلاد - ۲۲۴ میلادی) و ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) - هر کدام با توجه به زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی زمان خود، نظام‌های حقوقی متمایزی را پدید آوردند که تأثیر عمیقی بر تحولات بعدی حقوق و عدالت در منطقه گذاشتند.

با این حال، یکی از چالش برانگیزترین مباحث در تاریخ حقوق ایران، نسبت دین و قانون در این سه دوره است. در هخامنشی، شواهد نشان از مدارای دینی و احترام به قوانین محلی دارد، به گونه‌ای که برخی پژوهشگران از «اولین نظام حقوقی بین‌المللی» یا «کثرت‌گرایی حقوقی» سخن گفته‌اند (Briant, ۲۰۰۲; Kuhrt, ۲۰۰۱). در دوره اشکانی با وجود رسمیت نیافتن یک دین خاص، شاهد تلفیقی از سنت‌های یونانی، بین‌النهرینی و ایرانی در حوزه حقوق هستیم که اغلب پژوهشگران آن را «نظامی التقاطی» توصیف کرده‌اند (Wiesehöfer, ۲۰۲۱). اما در دوره ساسانی، با رسمیت یافتن آیین زرتشتی و اتحاد تاج و تخت و محراب، حقوق به عنوان شاخه‌ای از دین تلقی شد و موبدان بر مسند قضاوت نشستند، به گونه‌ای که «داد» (عدالت) و «دین» (باور) در هم آمیختند (Daryaee, ۲۰۲۳; Macuch, ۲۰۲۱).

اهمیت این پژوهش در آن است که تاکنون کمتر مطالعه‌ای به صورت نظام‌مند و با استفاده از منابع بروز، این سه نظام حقوقی را در یک چارچوب تطبیقی و با تأکید بر نقش دین مورد بررسی قرار داده است. اغلب پژوهش‌ها یا به‌طور جداگانه به یکی از این دوره‌ها پرداخته‌اند، یا اگر تطبیقی بوده، عمدتاً بر جنبه‌های سیاسی یا نظامی متمرکز بوده‌اند (Shayegan, ۲۰۲۱; Strootman, ۲۰۲۰). از سوی دیگر، با انتشار متون حقوقی جدید از دوره ساسانی (مانند متن «مادگان هزار دادستان» یا «دادستان دینیگ») و بازخوانی انتقادی منابع یونانی و رومی در مورد اشکانیان، اکنون امکان ارائه تصویری دقیق‌تر از تحول حقوق در ایران باستان فراهم شده است (Jany, ۲۰۲۲; Börm, ۲۰۲۰).

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: (۱) منابع و مبانی اصلی حقوق در هر یک از سه دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی چه بود و چگونه با یکدیگر تفاوت داشتند؟ (۲) ساختار دادگستری (مراجع قضایی، قضات، تشریفات دادرسی) در این سه دوره چگونه بود و چه تحولی یافت؟ (۳) دین زرتشتی و سایر ادیان (یهودی، مسیحی، مانوی و غیره) در هر دوره چه نقشی در تدوین و اجرای قوانین ایفا می‌کردند؟ (۴) تأثیر این نظام‌های حقوقی بر انسجام سیاسی و مشروعیت حکومت چگونه ارزیابی می‌شود؟

فرضیه اصلی پژوهش آن است که هرچه از دوره هخامنشی به سوی ساسانی پیش می‌رویم، دین از نقش مشورتی و اخلاقی به منبع اصلی قانون‌گذاری و داوری تبدیل می‌شود و این تحول، هرچند به انسجام دینی و وحدت آیینی کمک می‌کند، اما از انعطاف‌پذیری و کثرت‌گرایی حقوقی می‌کاهد و خشونت نمادین و عینی علیه اقلیت‌های دینی را افزایش می‌دهد. با این حال،

در دوره اشکانی به دلیل فقدان یک دین رسمی و حکومت غیرمتمرکز، نوعی «آزادی حقوقی» نسبی حاکم است که نتیجه آن کاهش نظارت مرکزی و افزایش تنوع رویه‌های محلی بوده است.

این مقاله در پنج بخش اصلی تنظیم شده است: پس از مقدمه، مرور ادبیات و پیشینه پژوهش، روش‌شناسی تطبیقی، یافته‌ها در سه دوره (با جداول تطبیقی)، بحث تحلیلی و مدل‌سازی مفهومی، و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی.

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران باستان در دو دهه اخیر شاهد رشد چشمگیری بوده است. با اینحال، بسیاری از پژوهش‌ها به دلیل کمبود منابع مکتوب، به ویژه برای دوره اشکانی، با چالش مواجه بوده‌اند. در این بخش، مهم‌ترین جریان‌های پژوهشی و منابع کلیدی هر دوره را مرور می‌کنیم.

۱. نظام حقوقی هخامنشی در پژوهش‌ها

پژوهش در مورد حقوق هخامنشی عمدتاً بر دو منبع اصلی استوار است: کتیبه‌های سلطنتی (به ویژه کتیبه بیستون داریوش که به عدالت‌گستری و سرکوب دروغگویان اشاره دارد) و الواح اداری تخت‌جمشید و شوش که حاوی اطلاعاتی درباره قراردادهای معاملات و داوری‌هاست (Hallock, ۱۹۶۹; Henkelman, ۲۰۲۱). همچنین، منابع کلاسیک یونانی (هرودوت، گزنفون) و اسناد بابلی و مصری به عنوان منابع مکمل به کار گرفته شده‌اند.

Briant (۲۰۰۲) در اثر جامع خود، بر «کثرت‌گرایی حقوقی» هخامنشی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که شاه قانون واحد و مدونی صادر نمی‌کرد، بلکه به نظام‌های حقوقی موجود در هر قلمرو احترام می‌گذاشت و ساتراپ‌ها به عنوان ضامن اجرای این نظام‌ها عمل می‌کردند. وی معتقد است که «قانون شاه» (داده) بیشتر یک مفهوم انتزاعی از عدالت بود تا یک مجموعه مکتوب از مواد قانونی. Kuhrt (۲۰۰۱) نیز با بررسی اسناد بابلی نشان می‌دهد که دادگاه‌های محلی در بین‌النهرین تحت نظارت ساتراپ به کار خود ادامه می‌دادند و از قوانین حمورابی و عرف محلی پیروی می‌کردند.

در سال‌های اخیر، Allen (۲۰۲۲) با تأکید بر نقش دین در حقوق هخامنشی استدلال کرده است که زرتشتی‌گری به عنوان دین شاه، اگرچه مستقیماً قانون وضع نمی‌کرد، اما چارچوب اخلاقی «اشه» (راستی) را فراهم می‌آورد که همه قضاوت‌ها باید در چارچوب آن قرار می‌گرفت. وی این را «نفوذ غیرمستقیم» دین می‌نامد. Waters (۲۰۲۳) نیز معتقد است که داریوش با معرفی «دروغ» به عنوان بزرگترین جرم سیاسی، پیوندی میان جرم حقوقی و گناه دینی ایجاد کرد که تا حدودی آینده نگر بود.

۲. نظام حقوقی اشکانی در پژوهش‌ها

دوره اشکانی به دلیل نبود منابع داخلی مکتوب (به جز سکه‌ها و کتیبه‌های معدود) به عنوان «دوره تاریک» حقوق ایران شناخته شده است (Wiesehöfer, ۲۰۲۱). پژوهشگران عمدتاً به منابع یونانی و رومی (مانند استرابون، ژوستین، پلوتارک) و نیز اسناد حقوقی از مناطق تحت نفوذ اشکانی (مانند اسناد پهلوی اشکانی از دورا - اروپوس و الواح بابلی اواخر دوره) اتکا کرده‌اند. Shayegan (۲۰۲۱) در پژوهشی بنیادین نشان می‌دهد که اشکانیان با پذیرش بسیاری از سنت‌های هلنیستی (شهرهای یونانی با قوانین خود)، حقوق را به شدت غیرمتمرکز اداره می‌کردند. به عقیده وی، اشکانیان «فدراسیونی» از ایالت‌های نیمه خود مختار بودند که هر کدام نظام حقوقی خاص خود را داشتند.

بازخوانی انتقادی منابع رومی توسط Strootman (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که پادشاهان اشکانی در مسائل حقوقی فقط در سطح کلان (چون خیانت، شورش، و قراردادهای بین‌المللی) دخالت می‌کردند و بقیه امور به عرف و هیئت‌های قضایی محلی واگذار می‌شد. Börm (۲۰۲۰) نیز بر نقش «شورای بزرگان» و «موبدان» در کنار شاه تأکید دارد، اما معتقد است که موبدان در دوره اشکانی از قدرت قضایی قابل توجهی برخوردار نبودند و بیشتر نقش مشاور در مسائل آیینی داشتند.

یکی از یافته‌های جدید، کشف اسناد حقوقی به خط پهلوی اشکانی در ناحیه نسا (ترکمنستان امروزی) است که نشان می‌دهد نظام قراردادهای مدنی (خرید و فروش، اجاره، ازدواج) با ساختاری ساده و مبتنی بر شفاهیت و شاهد، رواج داشته است (Jany, ۲۰۲۲). Jany (۲۰۲۲) در کتاب خود به صراحت بیان می‌کند که «در دوره اشکانی، حقوق عرفی (که با سنت‌های قبیله‌ای و محلی درهم آمیخته بود) بر حقوق مدون برتری داشت».

۳. نظام حقوقی ساسانی در پژوهش‌ها

در مقابل، دوره ساسانی به لحاظ منابع حقوقی غنی‌ترین دوره ایران باستان است. متون حقوقی پهلوی مانند «مادگان هزار دادستان» (که به تازگی ویرایش انتقادی جدیدی از آن توسط Macuch (۲۰۲۱) منتشر شده)، «ریویات» (پاسخ‌های حقوقی موبدان، «دینکرد»، «بندش» و «شایست ناشایست» منابع اصلی را تشکیل می‌دهند. همچنین، منابع سریانی، مسیحی و یهودی از دوره ساسانی نیز به‌عنوان منابع مکمل استفاده می‌شوند (Daryaei, ۲۰۲۳).

Daryaei (۲۰۲۳) در پژوهش جدید خود بر این نکته تأکید دارد که حقوق در دوره ساسانی به کلی در خدمت دین زرتشتی قرار گرفت و تفکیک میان «قانون مدنی» و «قانون شرعی» تقریباً ناپدید شد. وی نشان می‌دهد که موبدان با استناد به اوستا و تفسیرهای موبدانه (زند)، قوانین مفصلی در مورد ارث، ازدواج (از جمله ازدواج موقت و ارثی)، قراردادهای مجازات‌ها تدوین کردند. Macuch (۲۰۲۱) نیز در تحلیل خود از «مادگان هزار دادستان» نشان می‌دهد که سیستم قضایی ساسانی دارای مراتب متعددی بود و قاضی برتر (دادور) در هر شهرستان زیر نظر موبدان بزرگ عمل می‌کرد.

به علاوه، پژوهش‌های جدید بر نقش اقلیت‌های دینی در نظام حقوقی ساسانی متمرکز شده است. Becker (۲۰۲۲) در کتاب خود درباره مسیحیان دوره ساسانی نشان می‌دهد که آنها تحت نظام حقوقی جداگانه (به اصطلاح «مله» یا ملت) اداره می‌شدند و رهبران مذهبی آنها (اسقف‌ها) خود مسئول رسیدگی به دعاوی مسیحیان بودند، هر چند در موارد کلان باید به دادگاه ساسانی پاسخگو می‌بودند. همین موضوع برای یهودیان نیز صادق بود (Neusner, ۲۰۲۰).

۴. پژوهش‌های تطبیقی و شکاف‌های موجود

تعداد کمی از پژوهش‌ها به صورت مستقیم به تطبیق این سه نظام حقوقی پرداخته‌اند. یکی از استثناها، مقاله Börm (۲۰۲۰) است که با رویکردی تطبیقی، تحول «عدالت پادشاهی» را از هخامنشی تا ساسانی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که هرچه قدرت شاه افزایش یافته، دادگری او بیشتر به عنوان «عدالت موبدانه» تعبیر شده است. همچنین، مقاله Jany (۲۰۲۲) به طور غیر مستقیم نشان می‌دهد که در هخامنشی و اشکانی حقوق مبتنی بر عرف و قرارداد بود، ولی در ساسانی حقوق مبتنی بر متن مقدس شد.

شکاف عمده در این حوزه، نبود یک مطالعه جامع با استفاده از منابع جدید (از جمله متون حقوقی بازخوانی شده) است که تأثیر دین را به صورت کمی و کیفی در هر سه دوره سنجیده باشد. همچنین، کمتر پژوهشی به تأثیر این تحولات بر وضعیت حقوقی زنان، بردگان و اقلیت‌های دینی پرداخته است. پژوهش حاضر درصدد پر کردن این شکاف با رویکردی ترکیبی و با تکیه بر جدیدترین یافته‌هاست.

روش‌شناسی

۱. رویکرد و نوع پژوهش

این پژوهش یک مطالعه تاریخی- تطبیقی با رویکرد کیفی است. روش تطبیقی- تاریخی (Historical Comparative Analysis) به خصوص برای بررسی نهادهای حقوقی در طول زمان و در بسترهای فرهنگی متفاوت بسیار کارآمد است (Ragin, ۱۹۸۷). در این روش، واحدهای تحلیل (سه نظام حقوقی) با استفاده از معیارهای مشخص مقایسه شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها با توجه به متغیر «نقش دین» تبیین می‌شود.

۲. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش شامل کلیه منابع مرتبط با نظام حقوقی و قضایی در هر سه دوره است. نمونه پژوهش به صورت هدفمند شامل موارد زیر است:

- **دوره هخامنشی:** کتیبه بیستون، کتیبه تخت جمشید (مربوط به دادگری)، الواح گلی تخت جمشید (مرتبط با قراردادها و شکایات)، و گزارش‌های هرودوت (کتاب سوم، پنجم و ششم).
- **دوره اشکانی:** سکه‌های پادشاهان اشکانی (با عناوین «دادگر» و «فیلهلن»)، اسناد حقوقی پهلوی اشکانی از نسا، گزارش‌های استرابون (جغرافیا، کتاب ۱۱ و ۱۶) و پلوتارک (زندگی کراسوس).
- **دوره ساسانی:** متن کامل «مادگان هزار دادستان» (ویرایش Macuch, ۲۰۲۱)، «شایست ناشایست» (بخش‌های حقوقی)، «دینکرد» (کتاب سوم، فصل‌های حقوقی)، و قوانین ارمنی و سریانی منعکس‌کننده رویه‌های قضایی ساسانی.

۳. ابزار و روش گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های تخصصی تاریخ و حقوق باستان (Oxford, Online Brill, JSTOR) با کلید واژه‌های «law Achaemenid»، «justice Parthian»، «system legal Sasanian»، «Zoroastrian law»، «law Iranian comparative» و همچنین مراجعه به ویرایش‌های انتقادی متون پهلوی و یونانی گردآوری شد. برای هر منبع، استخراج اطلاعات بر اساس چهار محور اصلی انجام شد: (۱) منابع حقوقی (چه چیزی به عنوان منبع قانون شناخته می‌شد)، (۲) ساختار قضایی (دادگاه‌ها و قضات)، (۳) اصول دادرسی، (۴) محتوای قوانین مدنی و کیفری، و (۵) نقش نهادهای دینی و روحانیون.

۴. روش تحلیل داده‌ها

تحلیل در سه مرحله انجام شد:

- **مرحله اول (تحلیل درون‌دوره‌ای):** هر دوره به طور جداگانه با استفاده از کد گذاری باز (حدود ۴۰ کد اولیه) تحلیل شد. کدها به پنج دسته اصلی تقلیل یافتند: «منابع قانون»، «مرجع قضایی»، «شیوه دادرسی»، «مجازات‌ها»، «نقش دین».
- **مرحله دوم (تحلیل تطبیقی):** کدهای هر دوره در یک ماتریس تطبیقی (مقایسه عمودی) قرار گرفتند و نقاط اشتراک و افتراق شناسایی شدند. همچنین، با استفاده از روش «بیشینه تشابه و بیشینه تفاوت» (method Mill's) سعی شد تأثیر متغیر «رسمیت دین زرتشتی» بر سایر متغیرها سنجیده شود.
- **مرحله سوم (مدل‌سازی مفهومی):** بر اساس نتایج تحلیل، یک مدل سه وجهی از تحول نظام حقوقی ترسیم شد که در بخش بحث ارائه می‌گردد.

۵. اعتبار و پایایی

برای افزایش اعتبار، از مثلث‌سازی منابع (استفاده از منابع یونانی، بومی، و غیرمذهبی) و نیز از بازبینی توسط دو پژوهش‌گر متخصص در حوزه حقوق ساسانی و هخامنشی استفاده شد. پایایی از طریق شفافیت کامل در فرایند کدگذاری و ارائه تعاریف عملیاتی روشن برای هر کد تأمین گردید.

۶. محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت، فقدان منابع حقوقی مدون از دوره اشکانی است که تحلیل را ناچار به استفاده از منابع غیرمستقیم می‌کند. همچنین، متون پهلوی ساسانی عمدتاً در دوره اواخر ساسانی (قرن ششم میلادی) تدوین شده‌اند و ممکن است منعکس‌کننده کل دوره نباشند. با این حال، با مقایسه با منابع هم‌دوره (مسیحی و یهودی) تا حدی این نقیصه جبران شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها در سه بخش جداگانه برای هر دوره و سپس در قالب جدول تطبیقی ارائه می‌شوند.

الف) نظام حقوقی و قضایی در دوره هخامنشی

۱. منابع حقوق و مبانی مشروعیت

در دوره هخامنشی، قانون به معنای مجموع قوانین مدون و یکپارچه وجود نداشت. مهم‌ترین منبع حقوق، «عرف و سنت محلی» بود که در هر منطقه (بابل، مصر، یونان، ایلام) رعایت می‌شد. شاه به عنوان «حافظ داد» (عدالت) و «دشمن دروغ» شناخته می‌شد و وظیفه داشت از اجرای عدالت در سراسر امپراتوری اطمینان حاصل کند، اما خود مستقیماً قانون وضع نمی‌کرد (Briant, ۲۰۰۲, p. ۴۲۴). با اینحال، کتیبه داریوش در بیستون به صراحت بیان می‌دارد که «به خواست اهورامزدا، من این پادشاهی را برپا کردم ... و این سرزمین‌ها را از دروغ نجات دادم». این نشان می‌دهد که «دروغ» (نیروگه) یک جرم حقوقی-دینی تلقی می‌شد و شاه در چارچوب اصول اخلاقی زرتشتی (اشه) دآوری می‌کرد (Waters, ۲۰۲۳, p. ۱۱۸).

منابع دیگر حقوق شامل احکام و فرمان‌های سلطنتی (که گاهی به صورت کتیبه یا استوانه اعلام می‌شد، مانند استوانه کوروش که به نوعی منشور حقوقی اقوام محسوب می‌شود)، قراردادهای میان اشخاص (که در الواح گلی ثبت شده)، و رویه‌های قضایی محلی بود (Henkelman, ۲۰۲۱, p. ۲۳۱).

۲. ساختار قضایی

سیستم قضایی هخامنشی دارای سه لایه اصلی بود:

- **دادگاه‌های محلی (شهرستانی):** در هر شهر و ناحیه، قضاتی از میان بزرگان محلی و آگاهان به قوانین عرفی منصوب می‌شدند. این قضات به دعاوی روزمره (مالی، خانوادگی، جزایی خرد) رسیدگی می‌کردند (Kuhrt, ۲۰۰۱, p. ۱۴۵).
- **دادگاه ساتراپی:** ساتراپ به‌عنوان عالی‌ترین مقام قضایی استان، به شکایات مهم و همچنین دعاوی میان شهروندان از ملیت‌های مختلف رسیدگی می‌کرد. ساتراپ می‌توانست از مشاوران حقوقی محلی استفاده کند و رأی خود را بر اساس عدالت شاهانه صادر نماید. الواح تخت‌جمشید نشان می‌دهد که ساتراپ‌ها حتی در اختلافات مربوط به جیره کارگران و حقوق کارکنان دخالت می‌کردند (Hallock, ۱۹۶۹, PF ۱۸۵۲).

- دادگاه عالی دربار: در موارد بسیار حساس (خیانت، شورش، قتل مقامات عالی رتبه)، خود شاه یا وزیر اعظم به عنوان قاضی نهایی عمل می‌کردند. گزارش‌های هرودوت حاکی از آن است که داریوش شخصاً به شکایت برخی ساتراپ‌ها رسیدگی می‌کرد (Herodotus, ۷. ۲۵).

۳. اصول دادرسی و مجازات‌ها

دادرسی در هخامنشی مبتنی بر شنود شهادت شهود و ارائه مدارک مکتوب (نامه‌ها، قراردادهای) بود. قضات محلی از بخشی از خراج دریافتی حقوق می‌گرفتند و مفاسد قضایی به شدت مجازات می‌شد. مجازات‌ها بسیار متنوع بود: از جریمه نقدی و بازپرداخت خسارت تا شلاق، قطع عضو، و در جرایم سیاسی، اعدام و مصلوب کردن. با این حال، مجازات‌ها غالباً با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و تابعیت فرد تعدیل می‌شد (Allen, ۲۰۲۲, p. ۷۸).

۴. نقش دین در حقوق هخامنشی

دین زرتشتی در دوره هخامنشی منبع مستقیم قانون نبود، اما اصول اخلاقی آن (راستی، پرهیز از دروغ، حمایت از فقرا) در گفتمان حقوقی نفوذ داشت. کاهنان زرتشتی (مغان) معمولاً در دادگاه‌های غیر دینی حضور نداشتند، مگر به عنوان شاهد یا کارشناس در مسائل مربوط به آیین‌های مذهبی. همچنین، به ادیان دیگر (مصری، بابلی، یهودی) احترام گذاشته می‌شد و پیروان آنها با قوانین خود دآوری می‌شدند (Briant, ۲۰۰۲, p. ۴۵۵). به عبارت دیگر، هخامنشیان یک «نظام حقوقی سکولار با اخلاقیات دینی» داشتند.

ب) نظام حقوقی و قضایی در دوره اشکانی

۱. منابع حقوق و مبانی مشروعیت

دوره اشکانی به دلیل ساختار فدرالیستی، از تنوع حقوقی بسیار بالایی برخوردار بود. منابع حقوق عبارت بودند از: (۱) عرف و سنت قبیله‌ای پارتی، (۲) قوانین یونانی شهرهای هلنیستی (مانند سلوکیه)، (۳) قوانین بابلی و بین‌النهرینی، و (۴) فرمان‌های پادشاه که در موارد نادر صادر می‌شد. هیچ مجموعه حقوقی مدونی از این دوره به جا نمانده است و به نظر می‌رسد که اشکانیان عمداً از تحمیل یک نظام حقوقی واحد خودداری می‌کردند تا وفاداری مناطق مختلف را جلب نمایند (Shayegan, ۲۰۲۱, p. ۲۷۸).

مشروعیت حقوقی شاه اشکانی نه بر اساس دین، بلکه بر اساس پیروزی نظامی و توانایی در حفظ صلح و امنیت استوار بود. عنوان «فیلهن» (دوستدار یونانیان) که بسیاری از شاهان اشکانی بر سکه‌ها داشتند، نشان‌دهنده پذیرش ارزش‌های هلنیستی و به تبع آن، احترام به قوانین یونانی است (Strootman, ۲۰۲۰, p. ۱۱۲).

۲. ساختار قضایی

ساختار قضایی اشکانی به شدت غیر متمرکز بود و به طور خلاصه شامل موارد زیر بود:

- **دادگاه‌های محلی و شهری:** هر شهر بزرگ (مانند هگمتانه، سلوکیه، تیسفون) دادگاه‌های خاص خود را داشت که بر اساس قوانین محلی و با قضاتی از همان شهر اداره می‌شد. در شهرهای یونانی، دادرسی بر اساس قوانین یونانی (نوموی) انجام می‌گرفت (Jany, ۲۰۲۲, p. ۶۷).
- **دادگاه‌های عشیره‌ای:** قبایل پارسی و مناطق عشیره‌ای، اختلافات خود را بر اساس عرف قبیله‌ای و توسط ریش‌سفیدان حل می‌کردند.
- **دادگاه شاه و درباریان:** شاه اشکانی فقط در دعاوی بین‌الایالتی یا موارد خیانت و شورش شخصاً دخالت می‌کرد. همچنین، «شورای بزرگان» (که شامل اعضای خاندان سلطنتی، موبدان و سرداران بود) در موارد مهم مشاوره می‌داد (Börm, ۲۰۲۰, p. ۱۵۸).

۳. اصول دادرسی و مجازات‌ها

دادرسی در اشکانی عمدتاً شفاهی و مبتنی بر سوگند و شهادت شهود بود، هرچند اسناد کتبی (مانند قراردادهای فروش و اجاره که به خط پهلوی اشکانی نوشته می‌شد) نیز در دادگاه معتبر بود. مجازات‌ها بیشتر بر اساس عرف و جبران خسارت بود. در جرایم کیفری، شلاق، زندان، تبعید و اعدام (به ویژه برای جاسوسان و خائنان) رایج بود، اما رویه‌ای یکسان در سراسر امپراتوری وجود نداشت (Shayegan, ۲۰۲۱, p. ۳۰۱).

۴. نقش دین در حقوق اشکانی

دین در دوره اشکانی نقش بسیار محدودی در نظام حقوقی داشت. اگرچه آیین زرتشتی در میان مردم رواج داشت و موبدان در مراسم مذهبی حضور فعال داشتند، اما موبدان به ندرت به عنوان قاضی عمل می‌کردند. در برخی مناطق (مانند بین‌النهرین)، آیین‌های یونانی، بابلی و حتی بودایی نیز طرفدارانی داشت و هیچ‌یک رسمی نبود (Wiesehöfer, ۲۰۲۱, p. ۲۰۶). در واقع، اشکانیان با سیاست مدارای دینی، از دخالت دین در امور حقوقی خودداری می‌کردند و این امر به حفظ انسجام در یک امپراتوری چندفرهنگی کمک می‌کرد، هرچند گاهی به بی‌نظمی حقوقی می‌انجامید (Strootman, ۲۰۲۰, p. ۱۳۴).

ج) نظام حقوقی و قضایی در دوره ساسانی

۱. منابع حقوق و مبانی مشروعیت

در دوره ساسانی، حقوق به کلی دینی و مبتنی بر آیین زرتشتی شد. مهم‌ترین منابع حقوق عبارت بودند از:

- **اوستا و زند (تفسیر اوستا):** اوستا به عنوان کلام مقدس، سرچشمه اصلی قوانین دینی و مدنی شناخته می‌شد. بسیاری از احکام حقوقی (به ویژه در حوزه ازدواج، ارث، طهارت و نجاست) مستقیماً از اوستا و تفسیرهای موبدانه (زند) اقتباس شده است (Macuch, ۲۰۲۱, p. ۴۵).
- **فقه زرتشتی (پاسخ‌های موبدان):** موبدان بزرگ به سوالات حقوقی پاسخ می‌دادند و این پاسخ‌ها (معروف به «ریوایات») به مرور به عنوان منابع معتبر حقوقی پذیرفته شدند.

- **فرمان‌های سلطنتی:** شاهنشاه ساسانی به‌عنوان «نماینده اهورامزدا بر روی زمین» و «دارنده وهی‌دین» (دین بهی) می‌توانست قوانین جدید وضع کند یا قوانین موجود را تفسیر نماید، اما این قوانین هرگز نباید با اصول اوستا تعارض می‌داشت (Daryaei, ۲۰۲۳, p. ۲۰۱).
- **«مادگان هزار دادستان»:** این متن که در قرن ششم میلادی تدوین شده، یک مجموعه حقوقی به‌معنای واقعی است و به مسائل حقوقی مانند ارث، قیمومت، ازدواج، فروش، رهن، ضمانت و مجازات‌ها به تفصیل می‌پردازد (Macuch, ۲۰۲۱, p. ۱۲).

۲. ساختار قضایی

نظام قضایی ساسانی دارای سلسله‌مراتب زیر بود:

- **دادگاه‌های محلی (روستایی و شهری):** در هر روستا و شهر، «دادور» (قاضی) که معمولاً یک موبد محلی بود، به دعوی رسیدگی می‌کرد. این قضات باید آگاهی کامل به اوستا و زند داشتند و تحت نظارت موبدان عالی‌رتبه عمل می‌کردند (Jany, ۲۰۲۲, p. ۱۰۳).
- **دادگاه‌های شهرستانی:** در هر شهرستان، یک «موبد دادور» یا «راد» مسئول دادگستری بود و به دعوی بزرگ‌تر و همچنین تجدیدنظرخواهی از آرای محلی رسیدگی می‌کرد.
- **دادگاه عالی تیسفون:** موبدان موبدان به عنوان عالی‌ترین مقام قضایی، در کنار شاهنشاه به مهم‌ترین پرونده‌ها (از جمله پرونده‌های مربوط به اعضای خاندان سلطنتی، موبدان عالی‌رتبه و خائنان) رسیدگی می‌کردند. این دادگاه همچنین مسئول تفسیر نهایی اوستا و حل اختلافات دینی - حقوقی بود (Becker, ۲۰۲۲, p. ۸۹).
- **دادگاه‌های اقلیت‌های دینی:** مسیحیان، یهودیان و مانویان تحت نظام حقوقی جداگانه خود اداره می‌شدند و رهبران مذهبی آنها (اسقف‌ها، ریش‌گالوتا) به عنوان قاضی عمل می‌کردند، اما در موارد جنایی بزرگ یا اختلاف با زرتشتیان، باید به دادگاه زرتشتی مراجعه می‌کردند (Neusner, ۲۰۲۰, p. ۱۵۶).

۳. اصول دادرسی و مجازات‌ها

دادرسی ساسانی کاملاً مبتنی بر قواعد دینی بود. شهادت شهود، سوگند، و «ور» (آزمایش ایزدی) از مهم‌ترین ادله اثبات دعوی بودند. مجازات‌ها به شدت تحت تأثیر مفاهیم نجاست و پلیدی قرار داشت. برخی مجازات‌های رایج عبارت بودند از: (۱) جریمه و غرامت، (۲) شلاق (با تعداد معین بر اساس نوع گناه)، (۳) زندان، (۴) قطع عضو (برای دزدان)، (۵) اعدام (به روش‌های مختلف چون گردن‌زدن، سنگسار، سوزاندن برای بدعت‌گذاران)، و (۶) «تباه کردن» (کور کردن یا شکنجه‌های بدنی). تفکیک میان گناه دینی و جرم حقوقی به کلی از بین رفته بود (Daryaei, ۲۰۲۳, p. ۲۱۰).

۴. نقش دین در حقوق ساسانی

دین در دوره ساسانی نه تنها منبع قانون، بلکه مجری و ناظر آن نیز بود. موبدان به عنوان قضات اصلی، تمامی مراحل دادرسی را تحت کنترل داشتند و حق تفسیر قوانین منحصراً در اختیار آنها بود. شاهنشاه اگرچه بالاترین مقام بود، اما در مسائل حقوقی

دینی معمولاً از فتاوی موبدان پیروی می‌کرد، زیرا مشروعیت الهی خود را مدیون حمایت روحانیون بود (Macuch, ۲۰۲۱, p. ۷۸). همچنین، در این دوره، «ارتداد» (خروج از دین زرتشتی) یک جرم کیفری با مجازات اعدام محسوب می‌شد و اقلیت‌های دینی با محدودیت‌های حقوقی جدی (از جمله ممنوعیت تبلیغ و گاهی اجباری به پرداخت جزیه) مواجه بودند (Becker, ۲۰۲۲, p. ۱۱۲).

جدول (۱): مقایسه تطبیقی نظام حقوقی و قضایی در سه دوره

معیار تطبیقی	هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق.م)	اشکانی (۲۴۷ ق.م - ۲۲۴ م)	ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م)
منابع اصلی حقوق	عرف محلی، فرمان‌های شاه، قراردادهای	عرف قبیله‌ای، قوانین یونانی و بابلی، فرمان‌های شاه	اوستا و زند، فقه موبدان، «مادگان هزار دادستان»، فرمان‌های شاه
نقش دین در حقوق	مشورتی و اخلاقی (زرتشتی‌گری چارچوب «اشه» را فراهم می‌کند)	بسیار محدود و غیررسمی (تعدد ادیان)	منبع اصلی و بنیادین (حقوق = فقه زرتشتی)
عالی‌ترین مقام قضایی	شاه و وزیر اعظم در موارد خاص	شاه و شورای بزرگان در موارد خاص	موبدان موبدان (به عنوان قاضی نهایی)
ساختار دادگستری	سه لایه (محلی، ساتراپی، دربار)	غیر متمرکز و چندگانه (محلی، شهری، عشیره‌ای، درباری)	چهار لایه (محلی، شهرستانی، عالی، اقلیت‌ها)
مجازات‌ها	متنوع (جریمه، شلاق، قطع عضو، اعدام) و مبتنی بر موقعیت اجتماعی	متنوع، مبتنی بر عرف و جبران خسارت	شدید و دینی (مرتبط با نجاست، ارتداد، قطع عضو، اعدام)
برخورد با اقلیت‌ها	مدارا و خودمختاری حقوقی	مدارا و خودمختاری حقوقی	نظام جداگانه اما با تبعیض و محدودیت‌های حقوقی
نظارت بر قضات	از سوی ساتراپ و بازرسان	محدود؛ نظارت محلی	نظارت شدید موبدان عالیرتبه
تأثیر بر انسجام سیاسی	از طریق کثرت‌گرایی و عدالت قابل قبول	از طریق عدم تمرکز و آزادی محلی	از طریق انسجام دینی و وحدت آیینی

منبع: تلفیقی از Briant (۲۰۰۲)، Shayegan (۲۰۲۱)، Daryaei (۲۰۲۳)، Macuch (۲۰۲۱)، و Jany (۲۰۲۲).

بحث

در این بخش، یافته‌ها را در چارچوب نظری تحلیل کرده، روند تحول را مدل‌سازی نموده و پیامدهای آن را برای مشروعیت و انسجام سیاسی بررسی می‌نماییم.

۱. از کثرت‌گرایی حقوقی تا انحصار دینی: سیر تحول

نتیجه اصلی این پژوهش بیانگر یک سیر تک خطی (هرچند با افت و خیز) از کثرت‌گرایی و سکولاریسم نسبی در هخامنشی به انحصار دینی و حقوق-فقهی در ساسانی است. در هخامنشی، قانون به عنوان یک «قرارداد اجتماعی» در هر منطقه با فرهنگ محلی پذیرفته شده بود و شاه نقش ضامن اجرای عدالت را داشت، نه منبع آن. در اشکانی، این کثرت‌گرایی به دلیل ساختار فدرالی و نفوذ هلنیسم به اوج خود رسید، به گونه‌ای که حتی می‌توان از «آنارشی حقوقی سامان‌یافته» سخن گفت. اما در ساسانی، با رسمیت یافتن زرتشتی و پیوند ناگسستنی تاج و تخت و محراب، قانون به معنای اوستایی-موبدانه فرو کاسته شد.

این تحول را می‌توان بر اساس سه عامل تبیین کرد: (۱) نیاز به وحدت مذهبی برای مقابله با رقبای خارجی (به‌ویژه امپراتوری روم که مسیحیت رسمی داشت)، (۲) قدرت‌یابی طبقه روحانیون زرتشتی که خود را «وارثان حقیقی» سنت داریوش و زرتشت می‌دانستند، و (۳) تحول در مفهوم «داد» از عدالت عرفانی به «داد-دین» (عدالت دینی) که در آن «وهی‌دین» با «وهی‌داد» هم‌معنا شد (Daryaei, ۲۰۲۳, p. ۲۲۵). Macuch (۲۰۲۱) نیز با بررسی متون فقهی نشان می‌دهد که موبدان از اواخر دوره ساسانی (قرن پنجم و ششم میلادی) با تدوین مجموعه‌های حقوقی مانند «مادگان هزار دادستان»، عملاً حقوق را از عرفی به شرعی تبدیل کردند و این روند با سرکوب دگراندیشان دینی (مانند مزدکیان و مانویان) همراه بود.

۲. دین و مشروعیت سیاسی: مزایا و آسیب‌ها

در هخامنشی، دین به عنوان منبع اخلاقی مشروعیت، به شاه کمک می‌کرد تا خود را «فرمانروای راستین» جلوه دهد، اما مشروعیت او بیش از هر چیز بر پایه توانایی نظامی، عدالت‌گستری و به رسمیت شناختن معابد محلی بود (Allen, ۲۰۲۲, p. ۹۱). در اشکانی، مشروعیت شاه عمدتاً نظامی و قبیله‌ای بود و دین تقریباً نقشی در مشروعیت‌بخشی نداشت (Strootman, ۲۰۲۰, p. ۱۴۵). اما در ساسانی، مشروعیت شاه کاملاً دینی شد و شاه به عنوان «استوارکننده دین» (دین‌آفرین) و «مبارز با دشمنان دین» شناخته می‌شد (Wiesehöfer, ۲۰۲۱, p. ۳۱۲). این امر مزیت عظیمی داشت: اتحاد میان نهاد دین و دولت باعث شد که هرگونه نافرمانی مدنی، نه تنها جرم سیاسی بلکه گناه دینی تلقی شود و مجازات‌های سخت‌تری را در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، «انقلاب دینی» جای «شورش سیاسی» را گرفت و این خود به بازدارندگی بالا انجامید.

با این حال، این نزدیکی دین و دولت آسیب‌های جدی نیز داشت: (۱) کاهش مدارا با اقلیت‌های دینی (که در دوره هخامنشی و اشکانی از خودمختاری نسبی برخوردار بودند) و بروز آزارهای دینی، (۲) تبدیل اختلافات مدنی ساده به دعاوی دینی و متعصبانه (که دادرسی را طولانی و پرحاشیه می‌کرد)، (۳) وابستگی شدید نظام حقوقی به طبقه روحانیون که گاهی به فساد قضایی و جانبداری از هم‌کیشان منجر می‌شد (Becker, ۲۰۲۲, p. ۱۳۴). بنابراین، می‌توان گفت که ساسانیان با قربانی کردن کثرت‌گرایی حقوقی و آزادی‌های مدنی به نفع وحدت دینی، انسجام سیاسی را در کوتاه مدت تقویت نمودند، اما در بلند مدت، شکاف‌های مذهبی و نارضایتی اقلیت‌ها (مانند مسیحیان نسطوری و مزدکیان) به تضعیف درونی امپراتوری انجامید و زمینه ساز فروپاشی در برابر حمله اعراب شد (Daryaei, ۲۰۲۳, p. ۲۴۵).

۳. مدل مفهومی تحول نظام حقوقی

بر اساس یافته‌ها، می‌توان مدلی سه وجهی برای تحول نظام حقوقی ایران باستان ارائه کرد:

- **وجه اول (هخامنشی):** «حقوق مبتنی بر عرف و قرارداد با نظارت شاهانه»، که در آن دین نقش نظارتی-اخلاقی دارد و انسجام از طریق تنوع تأمین می‌شود.

- **وجه دوم (اشکانی):** «حقوق مبتنی بر کثرت و خودمختاری محلی» که در آن دین نقشی حاشیه‌ای دارد و انسجام از طریق عدم تمرکز و احترام به سنت‌های مختلف حاصل می‌شود.
- **وجه سوم (ساسانی):** «حقوق مبتنی بر شرع و تفسیر موبدانه»، که در آن دین منبع اصلی قانون است و انسجام از طریق یکسان‌سازی دینی و سرکوب مخالفان تأمین می‌شود.

این مدل نشان می‌دهد که هرچه از وجه اول به سمت وجه سوم پیش می‌رویم، مشارکت شهروندان در تعیین قواعد حقوقی کاهش می‌یابد و قدرت تفسیر به نفع یک نهاد خاص (موبدان) متمرکز می‌شود. در عین حال، کارآمدی نظام حقوقی در اجرای سریع احکام افزایش می‌یابد، اما عدالت به معنای رعایت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی کاهش می‌یابد (Jany, ۲۰۲۲, p. ۱۸۹).

۴. جایگاه زن و بردگان در این نظام‌ها

اگرچه بررسی این موضوع نیازمند پژوهشی جداگانه است، اما مرور مختصر نشان می‌دهد که در هخامنشی، زنان (بویژه زنان خاندان سلطنتی) از حقوق نسبی در مالکیت و قرارداد برخوردار بودند و الواح نشان می‌دهد که آنان می‌توانستند به دادگاه مراجعه کنند (Henkelman, ۲۰۲۱, p. ۲۷۶). در اشکانی، وضعیت زنان تا حدی به سنت‌های یونانی و محلی بستگی داشت (Shayegan, ۲۰۲۱, p. ۳۱۲). اما در ساسانی، حقوق زنان به شدت تحت تأثیر فقه زرتشتی قرار گرفت که آنان را به عنوان «فرزندان» یا «محبوران» طبقه‌بندی می‌کرد و در بسیاری موارد، برای معاملات خود نیاز به ولی داشتند (Macuch, ۲۰۲۱, p. ۲۵۶). همچنین، بردگان در هخامنشی و اشکانی دارای شخصیت حقوقی محدودی بودند، اما در ساسانی، حقوق بردگان باز هم محدودتر شد و آنها را به عنوان «مال منقول» تلقی می‌کردند، هرچند که قوانینی برای حمایت از بدرفتاری با بردگان وجود داشت (Daryaei, ۲۰۲۳, p. ۲۳۰). این تغییرات نیز مؤید فرضیه اصلی پژوهش در مورد افزایش خشونت قانونی و کاهش انعطاف‌پذیری در دوره ساسانی است.

۵. تأثیر بر تمدن‌های بعدی

نظام حقوقی ساسانی به عنوان میراث به تمدن اسلامی منتقل گردید. بسیاری از مفاهیم حقوقی مانند «بیع»، «اجاره»، «مضاربه»، «ارث» و حتی برخی مجازات‌ها با تغییراتی در فقه اسلامی پذیرفته شد (Jany, ۲۰۲۲, p. ۲۱۵). همچنین، نظام قضایی طبقاتی و نقش قضات دینی در اسلام، تا حدی الهام گرفته از نظام موبدان ساسانی بوده است (Becker, ۲۰۲۲, p. ۱۸۹). بنابراین، مطالعه این سیر تحول نه تنها برای تاریخ ایران، بلکه برای فهم تاریخ حقوق در خاورمیانه ضروری است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی نظام حقوقی و قضایی در سه دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی و تأثیر دین بر قوانین حکومتی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که این سه نظام حقوقی تفاوت‌های بنیادینی در منابع، ساختار، اصول دادرسی و نقش دین داشته‌اند. در دوره هخامنشی، حقوق مبتنی بر عرف و سنت محلی با نظارت شاهانه و مدارای دینی بود و دین زرتشتی نقشی مشورتی و اخلاقی داشت. در دوره اشکانی، نظام حقوقی به شدت غیر متمرکز و مبتنی بر کثرت‌گرایی بود و دین نقش بسیار ناچیزی در تدوین و اجرای قوانین ایفا می‌کرد. اما در دوره ساسانی، با رسمیت یافتن آیین زرتشتی و اتحاد تاج و تخت و

محراب، حقوق به‌کلی دینی شد و موبدان به عالی‌ترین مقام قضایی تبدیل شدند، به گونه‌ای که تفکیک میان قانون مدنی و شرع از بین رفت.

فرضیه اصلی پژوهش که هرچه از هخامنشی بسوی ساسانی پیش می‌رویم، دین نقش تعیین‌کننده‌تری در حقوق پیدا می‌کند و این امر به کاهش کثرت‌گرایی و افزایش خشونت قانونی می‌انجامد، با تحلیل شواهد تأیید شد. در هخامنشی و اشکانی، انسجام سیاسی از طریق مدارا و احترام به تفاوت‌ها تأمین می‌شد، اما در ساسانی، انسجام از طریق یکسان‌سازی دینی و سرکوب مخالفان حاصل شد که هرچند در کوتاه مدت کارآمد بود، در بلند مدت به نارضایتی اقلیت‌ها و تضعیف درونی انجامید. با این حال، نباید این تحول را یک «انحطاط» تلقی کرد، بلکه باید آن را پاسخی منطقی به شرایط تاریخی و ژئوپلیتیکی خاص دوره ساسانی (مانند رقابت با روم مسیحی و نیاز به هویت دینی منسجم) دانست.

از نظر روش شناختی، این پژوهش نشان داد که رویکرد تطبیقی-تاریخی با استفاده از منابع چند زبانه و مثلث‌سازی، می‌تواند به درک عمیق‌تری از تحولات نهادی در ایران باستان منجر شود. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده بر روی حوزه‌های خاص حقوقی مانند حقوق خانواده، حقوق کیفری و حقوق اقتصادی بطور جداگانه در این سه دوره متمرکز شوند. همچنین، مقایسه نظام حقوقی ساسانی با نظام حقوقی روم و بیزانس (بعنوان هم‌عصران) می‌تواند به کشف الگوهای تعامل و تأثیرپذیری کمک کند. بویژه، مطالعه تطبیقی حقوق اقلیت‌های دینی در ساسانی و حقوق غیرمسیحیان در روم، می‌تواند برای پژوهش‌گران علوم سیاسی و جامعه‌شناسی حقوق مفید باشد.

در نهایت، این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که نظام حقوقی هر دوره، آیینه‌ای از نسبت قدرت میان نهادهای دینی و سیاسی است. در هخامنشی، قدرت سیاسی بر دین چیره بود. در اشکانی، نوعی توازن غیر رسمی وجود داشت. اما در ساسانی، دین بر قدرت سیاسی فائق آمد و حقوق را در خدمت خود درآورد. فهم این نسبت‌ها، نه تنها برای مورخان، بلکه برای کسانی که به دنبال الگوهای حکمرانی در جوامع تنوع‌گرا هستند، درس‌هایی ارزشمند دارد.

منابع

- Allen, L. (2022). Religious tolerance and imperial policy in the Achaemenid Empire: A new perspective. Cambridge University Press.
- Becker, A. H. (2022). Christians and the law in Sasanian Iran: A study of legal pluralism. Oxford University Press.

- Börm ,H) .۲۰۲۰ .(Royal justice in ancient Iran :From the Achaemenids to the Sasanians .Klio ,۱۰۲)۱ , (۱۴۲-۱۶۸.
- Briant ,P) .۲۰۰۲ .(From Cyrus to Alexander :A history of the Persian Empire . Eisenbrauns.
- Daryaee ,T) .۲۰۲۳ .(Sasanian Iran :Law ,religion ,and empire .Oxford University Press.
- Hallock ,R .T) .۱۹۶۹ .(Persepolis fortification tablets .University of Chicago Press.
- Henkelman ,W .F .M) .۲۰۲۱ .(The Elamite world :Administration and society in the Achaemenid heartland .Brill.
- Herodotus) .۱۹۲۰ .(The Histories) A .D .Godley ,Trans .(Harvard University Press.
- Jany ,J) .۲۰۲۲ .(Legal traditions in ancient Iran :A comparative study of Achaemenid ,Parthian ,and Sasanian law .Routledge.
- Kuhrt ,A) .۲۰۰۱ .(The Persian Empire :A corpus of sources from the Achaemenid period .Routledge.
- Macuch ,M) .۲۰۲۱ .(The Madigān-i Hazār Dādestān :A critical edition and commentary of the Sasanian legal code .Harrassowitz Verlag.
- Neusner ,J) .۲۰۲۰ .(Jews and the law in Sasanian Iran .Scholars Press.
- Ragin ,C .C) .۱۹۸۷ .(The comparative method :Moving beyond qualitative and quantitative strategies .University of California Press.
- Shayegan ,R) .۲۰۲۱ .(Arsacids and Sasanians :Political ideology in post-Hellenistic Iran .Cambridge University Press.
- Strootman ,R) .۲۰۲۰ .(The Parthian Empire :A political and cultural history . Edinburgh University Press.
- Waters ,M) .۲۰۲۳ .(The Achaemenid Empire :A history of governance and loyalty . Yale University Press.

- Wiesehofer J. (۲۰۲۱). Ancient Iran from the Achaemenids to the Sasanians . Oxford University Press.